

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع: جایگاه راهبردی آذربایجان در تامین اهداف ناتو در قفقاز جنوبی

نگارش: نرگس حاجی رفیعی

استاد راهنما: فرهاد عطایی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه ای ، گرایش آسیای مرکزی و قفقاز

مهر ۱۳۸۹

چکیده

تعریف مساله: پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ غرب و بویژه آمریکا توجه ویژه ای به حوزه های تخت نفوذ شوروی داشته و نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز از الویت برنامه های غرب و بویژه ناتو بوده است. در دوران جدید این بازی با شکل جدید و این بار روسیه و ناتو در صف اول این رقابت قرار داشته اند. ناتو در دوران جدید و پس از جنگ سرد در راستای گسترش نفوذ خود در این جمهوریها، به این حوزه راهبردی توجه ویژه مبذول داشته است و بنظر می رسد جمهوری آذربایجان به دلیل موقعیت جغرافیایی ، منابع انرژی، همسایگی با روسیه و ایران، از اهمیت برخوردار است.

هدف: هدف این تحقیق این خواهد بود که اهمیت و جایگاه راهبردی آذربایجان در برنامه های ناتو بررسی شود و این اهمیت در ابعاد نظامی، تامین امنیت و تامین منابع انرژی خواهد بود.

ناتو در سالهای اخیر برنامه گسترش به شرق و نفوذ در جمهوریهای جدا شده از شوروی را در راس برنامه های خود قرار داده است و آذربایجان به دلایلی چند دارای اهمیت است.

انرژی: در سالهای اخیر غرب تلاشهایی را برای تامین مصرف بالای انرژی و متنوع ساختن منابع انرژی انجام داده است. غرب در سالهای اخیر در تلاش داشته تا وابستگی خود را به انرژی روسیه و منطقه خلیج فارس کاهش داده و به دنبال یافتن جایگزینی است که آذربایجان با داشتن منابع انرژی دارای اهمیت است.

یکی از اهداف ناتو تامین امنیت در منطقه و مبارزه با بنیادگرایی اسلامی است.

قرار گرفتن در مجاورت دریای خزر، همسایگی با ایران و روسیه، پل ارتباطی با آسیای مرکزی و شرق آسیا از طریق دریای خزر، ایجاد امنیت برای ناتو با هدف ثبات در منطقه، مبارزه با بنیادگرایی اسلامی از دیگر گزینه هایی است که آذربایجان را دارای اهمیت نموده است.

فرضیه: آذربایجان در تامین اهداف ناتو در قفقاز جنوبی دارای اهمیت است.

سوال اصلی: جایگاه راهبردی آذربایجان چه تاثیری در تامین اهداف ناتو در قفقاز جنوبی دارد؟

سوال فرعی:

اهداف و برنامه های ناتو در قفقاز جنوبی پس از فروپاشی شوروی چه بوده است؟

اقدامات و فعالیت ناتو در آذربایجان چه بوده است؟

تلاشهای آذربایجان در قبال گسترش ناتو چه بوده است؟

سیاستهای روسیه در قبال گسترش ناتو به شرق چه بوده است؟

روش تحقیق: این تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی است و از منابع کتابخانه ای و اینترنتی و مصاحبه با افراد متخصص نیز در آن استفاده شده است.

فصل بندی تحقیق:

__ مقدمه

__ ناتو(شکل گیری، کارکردها، ماموریت ها)، ناتو پس از پایان جنگ سرد، گسترش فعالیت و ماموریت،

گسترش ناتو به شرق، اقدامات ناتو برای مبارزه با تروریسم

– جایگاه راهبردی قفقاز جنوبی، عوامل نا امنی در قفقاز، امنیت انرژی و سیاستهای انرژی اروپا، اقدامات

ناتو و سازمانهای امنیت در قفقاز

– جمهوری آذربایجان و وضعیت اقتصادی آذربایجان، همکاری آذربایجان با ناتو، جایگاه راهبردی

آذربایجان در برنامه های ناتو و اهداف

– نتیجه گیری

صفحه

عنوان

۴-۱۳

مقدمه و پیشینه طرح.

بخش اول:

فصل اول:

۱۵

مقدمه:

۱۶-۲۱

ناتو (شکل گیری - کارکردها - ماموریت ها).

۲۱-۲۳

_ ناتو در زمان جنگ سرد.

۲۳- ۲۹

_ ناتو پس از پایان جنگ سرد تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

۲۳-۵

۱- گسترش اعضا و شرکاء

۲۵-۲۷

۲- گسترش حوزه مسئولیت ها و کارکردها.

۲۷-۹

۳- گسترش فعالیتها و ماموریت.

۳۰-۳۶

۴ - ناتو و گسترش ناتو به شرق.

۳۶-۳۷	۵- اهداف ناتو در راهبرد گسترش به شرق
۳۷-۴۰	۶- اقدامات ناتو برای مبارزه با تروریسم.
۴۱-۴۲	نتیجه

فصل دوم:

۴۴	مقدمه
۴۵	۱- تاریخچه قفقاز جنوبی
۴۶-۵۳	۲- جایگاه راهبردی قفقاز جنوبی
۵۳-۵۵	۳- عوامل ناامنی در قفقاز جنوبی.
۵۶-۵۷	۴- امنیت انرژی
۵۷-۵۹	۵- سیاست اروپایی انرژی
۵۹-۶۰	۶- امنیت انتقال انرژی
۶۲-۷۲	۷- وضعیت انتقال نفت و گاز و خطوط انتقال نفت و گاز
۷۲-۷۷	۸- مناقشات منطقه ای
۷۷-۷۹	۹- جایگاه و اهمیت قفقاز جنوبی در دیدگاه امنیتی اتحادیه اروپا
۷۹-۸۱	۱۰- ناتو در قفقاز
۸۲-۸۸	۱۱- اقدامات و سازمانهای امنیتی غرب در قفقاز
۸۸-۹۰	۱۳- قدرتهای منطقه ای و ورامنطقه ای در قفقاز جنوبی

۹۰-۱۰۶	- روسیه
۱۰۶-۱۱۲	- آمریکا
۱۱۳-۱۱۴	- نتیجه

بخش دوم

فصل سوم:

۱۱۶-۱۱۷	مقدمه
۱۱۷-۱۲۰	جمهوری آذربایجان
۱۲۰	وضعیت اقتصادی
۱۲۱-۱۲۲	ذخایر و تولیدات نفت و گاز
۱۲۳-۱۲۴	حوزه ها و میدانهای نفتی
۱۲۴-۱۲۶	حوزه ها و میدان های گازی
۱۲۶-۱۳۴	وضعیت نظامی
۱۳۴-۱۴۳	همکاری آذربایجان با ناتو
۱۴۳-۴۶	جایگاه راهبردی آذربایجان در برنامه های ناتو
۱۴۶-۱۴۷	اهداف بلندمدت ناتو
۱۴۸-۱۴۹	نتیجه
۱۵۰-۱۶۲	نتیجه گیری

١٦١-١٦٤

نقشه

١٦٤-١٧٨

منابع

عنوان: جایگاه راهبردی جمهوری آذربایجان در تامین اهداف ناتو در قفقاز جنوبی

مقدمه: پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ غرب و بویژه آمریکا توجه ویژه ای به حوزه های تحت نفوذ شوروی داشته و نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز در اولویت برنامه های غرب و سازمانهای غربی و از جمله سازمان پیمان آتلانتیک شمالی^۱ بوده است در گذشته، شوروی و آمریکا در رقابت با هم قرار داشتند. در دوران جدید این بازی با شکلی نو و این بار ناتو و روسیه در صف اول این رقابت قرار گرفته اند. ناتو در دوران جدید و پس از جنگ سرد در راستای گسترش نفوذ خود در شرق، به این حوزه راهبردی توجه ویژه ای مبذول داشته است و به نظرمی رسد در این برنامه، جمهوری آذربایجان به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و منابع انرژی اهمیت ویژه ای دارد.

قفقاز جنوبی به دلیل موقعیت و ویژگیهای خاص خود همواره به عنوان منطقه ای مهم و راهبردی تلقی می شد و پس از فروپاشی شوروی و ظهور سه جمهوری مستقل در قفقاز جنوبی بر اهمیت این منطقه افزوده شد. قفقاز جنوبی به دلیل وضعیت خاص ژئوپلیتیکی، سیاسی، تاریخی از نقاط بحران خیز و درعین حال با اهمیت محسوب می شود. موضوع امنیت در این منطقه برای کشورهای همسایه و قدرتهای ورامنطقه ای بویژه اروپا و آمریکا حائز اهمیت است. قفقاز یکی از حلقه های اتصال میان قاره های اروپا و آسیا است، محل تمدنهای کهن و سرشار از تنوع نژادی است، نقطه پیوند دو مذهب بزرگ اسلام و مسیحیت است و یکی از مسیرهای مهم ترانزیت و انتقال انرژی منطقه خزر و قفقاز به اروپاست. اما با تمام ویژگیهایی که پیرامون اهمیت منطقه ذکر شده است اختلافات قومی، اختلافات مرزی، ناکارآمدی اقتصادی و شکافهای اجتماعی و مناقشات میان جمهوری های قفقاز جنوبی، تهدیدی برای امنیت منطقه محسوب می شود و با توجه به این که قفقاز جنوبی از لحاظ جغرافیایی در همسایگی اروپا واقع شده است این مشکلات می تواند در امنیت و ثبات اروپا موثر باشد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی خلا قدرتی در این منطقه بوجود آمد قدرتهای ورامنطقه ای که به دنبال فرصت برای حضور در منطقه بودند از این خلا استفاده کردند و وارد منطقه شدند.

^۱ - North Atlantic Treaty

البته این حضور و دخالت های ناشی از حضور قدرتها باعث افزایش اختلافات و مشکلات امنیتی در منطقه شد. مهمترین کنشگرانی که در این منطقه حضور دارند اروپا، آمریکا و روسیه و برخی سازمانهای امنیتی - اقتصادی نظیر ناتو^۲ و شورای همکاری و امنیت اروپا می باشند. قفقاز جنوبی در گذشته از مناطق تحت حاکمیت اتحاد شوروی بود. از ابتدای قرن نوزدهم روسها چیرگی^۳ خود را در منطقه تحکیم بخشیدند. روسها به هدف تحکیم حکمفرمایی خود در قفقاز تلاش کردند دشمنی میان ملتها را شعله ور سازند. در سال ۱۹۱۸ روسیه قفقاز جنوبی را از دست داد اما در سال ۱۹۲۱ مجدداً آن را اشغال کرد و در سالهای بعد تمام جمهوریها را تحت حاکمیت خود قرار داد.

فروپاشی اتحاد شوروی موجب تغییرات اساسی در ژئوپلیتیک منطقه شد و این باعث تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوریهای اتحاد شوروی گردید. در سالهای پس از استقلال به دلیل ضعف ساختارهای سیاسی و اقتصادی فدراسیون روسیه نتوانست مانند گذشته سلطه و نفوذ خود را بر این کشورها اعمال کند. اما روسیه برای حفظ نفوذ سنتی خود در منطقه، تلاش غرب برای تسلط بر منطقه و گسترش نفوذ در عرصه های سیاسی و امنیتی بویژه منابع انرژی را دنبال می نماید. ریشه این تفکر را باید در باور برخی نخبگان روسی جستجو کرد که اعتقاد دارند که نفوذ روسیه در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می تواند تامین کننده منافع آن کشور باشد. طرح عرصه منافع امنیتی در حوزه شوروی از بحث های راهبردی و مهم در سالهای پس از فروپاشی شوروی محسوب می شود. در سال ۱۹۹۲ اولین راهبرد روسیه تدوین شد که در آن از حوزه جغرافیایی شوروی به عنوان حوزه امنیت ملی روسیه نام برده شده است. این رویکرد در دوران ریاست جمهوری پوتین تقویت شد و گرایش بسوی کشورهای مشترک المنافع و گرایش اوراسیایی پایه و اساس سیاست خارجی دوران پوتین شد. این سیاست در دوران ریاست جمهوری مدودف نیز ادامه دارد. اتحادیه اروپا از کنشگران عمده در قفقاز جنوبی است.

اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۱ برنامه هایی نظیر طرح دالان حمل و نقل اروپا- قفقاز- آسیای مرکزی و برنامه حمل و نقل نفت و گاز و برخی ماموریتها در جهت حل و فصل مناقشات قره باغ و آبخازستان از طریق سازمان همکاری و امنیت اروپا و ناتو و طرح مشارکت برای صلح، تلاشهایی در قبال مسائل امنیتی در منطقه بعمل آورده است. در آستانه قرن جدید چند تحول مهم یعنی الحاق اعضای جدید از حوزه بلوک

^۲-NATO

^۳-Hegemony

شرق و از میان رفتن مرزهای ایدئولوژیک در اروپا با تصویب قانون اساسی جدید اتحادیه اروپا و تصویب سند "راهبرد امنیتی" بوقوع پیوسته است. در این "سند امنیتی" اتحادیه اروپا به صراحت آمده است: "که اتحادیه اروپا باید علایق قوی تری در مسائل قفقاز که همسایگان منطقه ای ما خواهند بود ایجاد نمایم. تحول مهم دیگر الحاق سه جمهوری قفقاز جنوبی به راهبرد سیاست همسایگی اتحادیه اروپا بود که اساس روابط اتحادیه اروپا با کشورهای اروپای شرقی، بالکان و سپس قفقاز جنوبی را ترسیم می کند" (مرادی، ۱۳۸۵، ص ۱۰). از دیدگاه اتحادیه اروپا قفقاز جنوبی به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی^۴ و هم وجود منابع نفت و گاز حائز اهمیت است ولی درعین حال به دلیل تهدیدات و چالش هایی نظیر تروریسم، اشاعه سلاحهای کشتار جمعی، جنایات سازمان یافته، دولتهای نا کارآمد و منازعات منطقه ای که در این منطقه وجود دارد امنیت اروپا را تحت تاثیر قرار می دهد. از سوی دیگر بعضی سازمانها مانند سازمان امنیت و همکاری اروپا ناتو نیز در منطقه وجود دارد. سیاست ناتو در قبال بلوک شرق مبتنی بر مکانیزم مشارکت است. برنامه مشارکت برای صلح که در نشست سران ناتو در بروکسل در سال ۱۹۹۴ تصویب شد مکانیزمی است که همکاری عملی میان ناتو و کشورهای غیرعضو را تبیین می کند.

آمریکا نیز مهم ترین قدرت خارجی در منطقه قفقاز جنوبی است با توجه به این که قفقاز جنوبی در دوران جنگ سرد محل تلاقی دو پیمان ناتو و ورشو بود و از طرفی اهمیت خاص این منطقه در نظریه جهانی هارتلند (مکیندر)، آمریکا نفوذ خود در این منطقه را افزایش داد این کشور به دنبال اهداف خاصی است، از جمله جلوگیری از قدرت گرفتن روسیه، مهار ایران، چین، جلوگیری از بسط و نفوذ اسلام سیاسی و تلاش برای تقویت قدرتهای هم پیمان منطقه ای و تحقق بخشیدن به نظم جدید جهانی است که در این راستا یکی از این مناطق مهم جهان، حوزه خزر و قفقاز است. مسئله مهم دیگر انرژی خزر و انتقال آن است. بعد از حادثه یازدهم سپتامبر آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم به افغانستان حمله کرد و یکی از مناطق مهم برای انجام این عملیات آسیای مرکزی و قفقاز بود. یکی از اهداف راهبردی آمریکا پس از یازدهم سپتامبر تسلط بر مناطق راهبردی و ژئوپلیتیک جهان بخصوص حوزه خزر است. آذربایجان یکی از سه جمهوری قفقاز جنوبی است که دارای انرژی و بویژه نفت است که برای غرب محسوب می شود. این کشور دارای مشکلات داخلی بسیاری است. یکی از این مشکلات مناقشه قره باغ کوهستانی است که با جمهوری ارمنستان دارد. این جمهوری برای حل مشکلات خواهان پیوستن به ناتو و الحاق به ساختارهای اروپایی

است. و تمایل خود را برای عضویت در ناتو اعلام کرده است. پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ آمادگی خود را برای انجام عملیات نظامی و کمک به نیروهای ناتو اعلام کرد. در این تحقیق ناتو و روند شکل و اهداف این سازمان ، قفقاز جنوبی ، اهمیت راهبردی این منطقه و منابع انرژی و خطوط انرژی ، جمهوری آذربایجان و اهمیت این کشور برای غرب و ناتو و در نهایت نقش قدرتهای منطقه ای و ورامنطقه ای در قفقاز جنوبی بررسی شده است .

هدف: هدف تحقیق این است که اهمیت و جایگاه راهبردی آذربایجان را در برنامه های ناتو بررسی کند و این موضوع در دو بعد، تامین امنیت و انرژی بررسی خواهد شد.

الف) یکی از اهداف ناتو تامین امنیت در منطقه است .

ب) درسالهای اخیر غرب تلاشهایی را برای تامین نیازش به انرژی و متنوع ساختن منابع انرژی انجام داده است. غرب سعی دارد از وابستگی خود به انرژی روسیه کم کند. و در این میان به دنبال یافتن جایگزین های مناسبی است. آذربایجان با داشتن ذخایر انرژی و منابع انرژی از این نظر دارای اهمیت است.

سوال اصلی: جایگاه راهبردی آذربایجان چه تاثیری در تامین اهداف ناتو در قفقاز دارد؟

سوالات فرعی:

۱- اهداف و برنامه های ناتو در قفقاز پس از فروپاشی شوروی چه بوده است؟

۲- اقدامات و فعالیت ناتو در آذربایجان چه بوده است؟

۳- سیاستهای روسیه در قبال گسترش ناتو چه بوده است؟

۴- موانع موجود در گسترش ناتو چه بوده است؟

روش تحقیق: این تحقیق بصورت توصیفی و تحلیلی است و از منابع کتابخانه ای و اینترنتی و مصاحبه با افراد متخصص نیز در آن استفاده شده است.

بررسی آثار: در زمینه جایگاه راهبردی آذربایجان در تامین اهداف ناتو در قفقاز جنوبی، کارهای بسیار خوبی به زبان فارسی موجود است. اما در زمینه نقش ناتو در جمهوری آذربایجان آثار بسیار کمی وجود دارد. بسیاری از کارها و پژوهش‌هایی که صورت گرفته بیشتر جنبه توصیفی دارند. البته به زبان بریتانیای کارهای مفیدی در مورد، قفقاز جنوبی، ناتو و بررسی جایگاه آذربایجان صورت گرفته است. کتابهایی که به زبان فارسی موجود است، منطقه قفقاز جنوبی را مورد بررسی قرار داده و جمهوری آذربایجان در چارچوب این منطقه بررسی شده است.

(۱) **کتاب ناتو در قرن ۲۱** نوشته سلیمه دارمی است که این کتاب در ۱۲ فصل نوشته شده است. در فصل اول این کتاب که به طور خلاصه به تاریخچه و شکل‌گیری ناتو پرداخته شده است و در ادامه این فصل سیاست‌های این پیمان را در زمان جنگ سرد توضیح می‌دهد. در فصل دوم اهداف ناتو و ساختار نظامی و غیر نظامی را بررسی می‌نماید. در فصل سوم به رویداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و نشست سران ناتو در پراگ را مورد بررسی قرار داده است. یکی از اهداف ناتو پس از فروپاشی شوروی گسترش ناتو به شرق و نفوذ در جمهوریهای پیشین شوروی را مدنظر دارد که دارمی در کتاب خود بطور مفصل در بخش ۳ در فصل هشتم به توضیح آن پرداخته است. و در مورد دو ابزار ناتو در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز (الف) شورای یورو-آتلانتیک و (ب) مشارکت برای صلح پرداخته است. فصل نهم به رابطه ناتو و روسیه و منافع این در این منطقه راهبردی پرداخته است و توضیح می‌دهد که با وجود اینکه روسیه از گسترش ناتو به شرق ناخشنود است ولی دو طرف تلاشهایی را برای گفتگو و مشارکت انجام داده اند دو طرف علاقمند به توسعه روابط دو جانبه می‌باشند اما چشم انداز روابط روسیه و متحدان فرآتلانتیک تصویری پیچیده و مبهم را ارائه می‌کند. در فصل دهم منافع و اهداف سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سه جمهوری قفقاز جنوبی را شرح می‌دهد. موقعیت راهبردی و اکونومیکی قفقاز جنوبی مرز فضای امنیتی مشترکی با اروپا ایجاد کرده که در نتیجه این منطقه مرکزیت مهم اقتصادی و دالان حمل و نقل (نفت و گاز) را بخود اختصاص داده است. در این فصل در مورد همکازیه‌های آذربایجان و ناتو و دلایل پیوستن این جمهوری به ناتو نیز که موضوع این تحقیق نیز هست توضیح داده شده است.

(۲) **کتاب راهبرد ناتو در قفقاز جنوبی** اثر سید رسول موسوی است. این کتاب دارای ۴ بخش است. در بخش اول در مورد ناتو و تغییرات راهبردی و ساختاری این سازمان در دوران پس از جنگ سرد توضیح داده است و سپس به نشست سران ناتو در استانبول در سال ۲۰۰۴ که این سازمان مناطق جدید

جغرافیایی از جمله آسیای مرکزی و قفقاز را مورد توجه قرار داده است بررسی شده است. در بخش دوم منازعات موجود در قفقاز جنوبی بررسی شده است. در این بخش نیز دلایل ناتو به شرق را هم مورد توجه قرار داده است. در بخش سوم به بررسی سه جمهوری قفقاز جنوبی بخصوص آذربایجان و گرجستان پرداخته و رابطه این دو جمهوری را با ناتو را مورد بحث قرار داده است. و در بخش پایانی این کتاب به موانع و مشکلات ناتو در منطقه قفقاز جنوبی و منافع این سازمان در منطقه پرداخته است.

۳) کتاب *ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران* نوشته محمد حسین

افشردی، نیز کتاب دیگری است که در مورد جایگاه قفقاز جنوبی توضیح داده شده است. این کتاب در ۵ فصل نوشته شده است. در فصل اول مقدمه و مفاهیم کلی در سیاست بین الملل را مورد بحث قرار داده است و مفهوم ژئوپلیتیک، ژئو راهبرد را توضیح داده است. در فصل دوم در مورد موقعیت ژئوپلیتیکی و فرهنگی، موقعیت ژئوراهبردی قفقاز جنوبی این منطقه بحث کرده است. در این فصل توضیح داده شده است که از ویژگیهای قفقاز جنوبی موقعیت راهبردی این منطقه است و این به سبب وجود منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر و مسیرهای انتقال انرژی منطقه به سوی بازارهای غرب می باشد. فصل سوم به بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری های قفقاز جنوبی پرداخته شده است. منطقه قفقاز جنوبی از دیرباز با ایران و ایرانیان رابطه داشته و پیشینه تاریخی آنها با یکدیگر گره خورده است. و در دوران هخامنشیان بخش زیادی از این منطقه خراجگزار ایران بوده اند. ولی در دو عهدنامه ترکمنچای و گلستان از ایران جدا شده و تحت حاکمیت شوروی قرار گرفتند. در فصل چهارم اهمیت قفقاز جنوبی در سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه که نویسنده به آن پرداخته این بوده است که این منطقه به دلایل اقتصادی از جمله ۱- منابع نفت و گاز، ۲- بازارهای منطقه برای فروش کالاهای ایران که با توجه به نزدیکی مسیر و راههای موجود بازار پر جاذبه ای بوده و مزیت فراوان برای ایران دارند. ۳- مسیرهای حمل و نقل برای ایران دارای اهمیت است. و در فصل پایانی این کتاب به بررسی موانع و مشکلات موجود در برابر ایران برای نفوذ در این منطقه پرداخته شده است.

۴) کتاب *امنیت در قفقاز جنوبی* غلامرضا هاشمی که توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی چاپ

شده است کتاب دیگری است در مورد سه جمهوری قفقاز جنوبی و اهمیت این منطقه نوشته شده است. این کتاب ۵ فصل دارد و در فصل اول ساختار نظام بین الملل و مفهوم امنیت توضیح داده

شده است در فصل دوم ویژگیها و اهمیت راهبردی منطقه قفقاز جنوبی و سه جمهوری قفقاز جنوبی را مورد بررسی قرار داده است. در فصل سوم به مسایل سیاسی- امنیتی قفقاز جنوبی، بحرانهای این منطقه مانند بحران قره باغ، بحران چچن، آبخازیا و اوستیای جنوبی و عوامل موثر بر روند شکل گیری بحران قره باغ پرداخته است. در فصل چهارم نیز بی ثباتی های سیاسی - اجتماعی و مشکلات اقتصادی جمهوریهای قفقاز را بررسی می کند و در نهایت به بررسی نقش قدرتهای منطقه ای و ورامنطقه ای نظیر روسیه، و ورامنطقه ای آمریکا، اسرائیل، اروپا و ترکیه و برخی سازمانها مانند ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا پرداخته است. و در فصل پایانی با توجه به همسایگی این منطقه با مرزهای جمهوری اسلامی ایران اهمیت این منطقه را بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده و منافع سیاسی، اقتصادی و امنیت ایران را در ارتباط با این منطقه بررسی می کند.

۵) کتاب *برآورد استراتژیک آذربایجان* نیز توسط الیاس واحدی در ۲ کتاب مجزا به چاپ رسیده است. در جلد اول به ساختار سیاسی کشور آذربایجان می پردازد و در جلد دوم این کتاب به مسایل اقتصادی، نظامی جمهوری آذربایجان می پردازد. در بخش اول این کتاب ساختارهای اقتصادی آذربایجان را بررسی کرده و در بخش دوم نیز در مورد همکاریهای نظامی این جمهوری با ناتو بحث کرده. در این کتاب به طور مفصل به راهبرد نظامی این کشور و همکاری نظامی اش با سازمانها و کشورها و دلایل عضویت این جمهوری در ناتو نیز توضیح داده شده است.

۶) *مقالاتی از مجموعه مقالات با نام Spectrum* که در ایروان در کشور ارمنستان به چاپ می رسد منبع دیگری است که در مورد قفقاز جنوبی، سه جمهوری قفقاز جنوبی و نقش ناتو در این منطقه بطور مفصل شرح داده شده است. سالیانه کنفرانسی در این کشور برگزار می گردد که حاصل آن انتشار این کتاب است. در یکی از مقالات نوشته عارف یونس اف^۴ است که مقاله ای تحت عنوان موقعیت سیاسی آذربایجان و معضل امنیتی در قفقاز جنوبی را نگارش داده است در این مقاله نویسنده توضیح داده که پس از فروپاشی اتحاد شوروی جمهوری های قفقاز جنوبی تلاش زیادی برای ایجاد ثبات و امنیت و پیشرفت در کشورشان کردند. جمهوری آذربایجان در اولین قدم پس از استقلال با مشکلاتی مواجه شد از جمله جنگ این کشور با ارمنستان بر سر قره باغ کوهستانی، جدایی طلبی قومی و مهمتر از همه ضعف اقتصادی. اما این کشور برای رفع این مشکلات سعی

⁴. Arif Yunusov

کرد به غرب و سازمانهای غربی نزدیک شده و در سال ۱۹۹۴ قرارداد معروف قرن را امضاء نماید. در بخشهای دیگر این مقاله در مورد جنگ قره باغ و همچنین دلایل پیوستن این جمهوری به ناتو و نقش قدرتهای منطقه ای نظیر ایران، روسیه و ترکیه توضیح داده است.

(۷) مقاله آقای سیمون دومانسو^۷ تحت عنوان ناتو و قفقاز جنوبی؛ ثبات و همکاری نیز در مجموعه مقالات با نام *Spectrum*^۷ به چاپ رسیده است در این مقاله نویسنده به بررسی جمهوری های قفقاز جنوبی پرداخته است. و توضیح می دهد که ارمنستان، آذربایجان و گرجستان علاقمندند که به ساختارهای غربی از جمله شورای همکاری آتلانتیک شمالی بپیوندند به همین دلیل از سال ۱۹۹۴ این سه جمهوری به برنامه مشارکت برای صلح این ناتو پیوسته اند. و با حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا روند همکاری این سه جمهوری بویژه آذربایجان با این سازمان تسریع شد. آذربایجان مهمترین معضل داخلی خود را جنگ بر سر قره باغ با کشور ارمنستان می داند به همین دلیل علاقمند به پیوستن به ناتو و مشارکت در برنامه های این سازمان است.

(۸) کتاب ارزشمند دیگری که در این تحقیق از آن استفاده شده است کتاب "سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، دگرگونی در ماموریت ها و کارکردها" اثر الهه کولایی با کمک ماندانا تیشه یار می باشد. این کتاب در ۵ فصل نوشته شده است که بطور مفصل به شکل گیری سازمان پیمان آتلانتیک شمالی؛ ناتو پرداخته شده است. در فصل اول این کتاب به بررسی ناتو در دوران جنگ سرد، اهداف و برنامه های این سازمان پرداخته شده است. در فصل دوم تحول در ماموریت ها و کارکردهای ناتو در دوران پس از جنگ سرد پرداخته شده است. مهمترین بخش این کتاب که مرتبط به این تحقیق نیز است فصل سوم است که حیات جدید ناتو در دوران پس از جنگ سرد و گسترش ناتو به شرق را مورد بررسی قرار داده است. همچنین در این فصل برنامه مشارکت برای صلح این سازمان که جمهوریهای قفقاز جنوبی در این برنامه عضویت دارند را مورد بحث قرار داده است. در فصل چهارم به بررسی نقش و اقدامات ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز پرداخته است و سپس نقش

⁵- Simon de Manso

^۷- *Spectrum* نام موسسه ای پژوهشی است در جمهوری ارمنستان که در مورد مسایل و مشکلات منطقه قفقاز و جمهوری های قفقاز جنوبی بحث می نماید. از جمله مقالاتی در مورد پیوستن سه جمهوری به ناتو، انقلاب های رنگین در جمهوریهای قفقاز جنوبی، و دیگر مسایل مربوط به این جمهوری ها بحث می نماید. این موسسه تحت نظر مرکز تحقیقات راهبردک ارمنستان است و مدیریت آن بر عهده دکتر گایان نوویکوا می باشد. این موسسه دو نوع نشریه دارد. یکی با عنوان مجموعه مقالات که هر فصل چاپ می شود و دیگری مجموعه مقالات کنفرانس های سالیانه آن که به نام مقالات کنفرانس چاپ می شود.

این سازمان را در تامین امنیت این منطقه بررسی کرده است و در نهایت در فصل پایانی این کتاب اقدامات ناتو در دوران پس از جنگ سرد را از منظر حقوقی بررسی کرده است .

۹) مقاله دیگری که در این تحقیق از آن استفاده کرده ام مقاله آقای دکتر عبدالله رمضان زاده بوده با عنوان " نقش ایران در مناقشه قره باغ کوهستانی"^۷ است که به بررسی مناقشه قره باغ - ناگورنو پرداخته است. در این مقاله ابتدا به بررسی فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی و نتایج ژئوپلیتیکی فروپاشی شوروی و تاثیر آن بر منطقه پرداخته است. فروپاشی شوروی منجر به تغییرات اساسی در قسمت ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه شده و منطقه ای جدیدی ایجاد شد که میتوان آن را خاورمیانه جدید نامید. این منطقه تا قلب آسیا امتداد دارد و شامل ایران، پاکستان، و افغانستان و همچنین کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را شامل میشود، می گردد. در بخشهای بعدی مقاله فروپاشی شوروی و نتایج آن برای ایران را از دو بعد امنیتی و اقتصادی بررسی می کند. در بخش سوم سیاست ایران در آسیای مرکزی و قفقاز را تجزیه تحلیل می کند. نویسنده در بخشهای بعدی مقاله در پی آن است که مناقشه قره باغ را بررسی نماید و درد ابتدا به نقش ایران در مناقشه قره باغ- ناگورنو پرداخته است. بخشهایی از قفقاز جنوبی شامل آذربایجان و ارمنستان و گرجستان در ۲ معاهده گلستان و ترکمنچای در اثر بی تدبیری شاهان قاجار به شوروی واگذار شده است . این نشان دهنده علاقه دولت ایران به سرنوشت این منطقه است. از سال ۱۹۸۸ این مناقشه تبدیل به مناقشه بزرگی برای ایران شده است. که برای حل این مناقشه ، دولت ایران با فشار های زیادی از سوی اقلیتهای آذری مواجه بوده است. نویسنده در ادامه توضیح داده است که ایران از اولین کشورهای بوده است که به میانجیگری پرداخته است و دو طرف در گیر در نشست تهران به موافقت نامه موقت صلح و آتش بس نیز دست یافته اند. در پایان این مقاله دورنما و چشم انداز این مناقشه بررسی شده است . نویسنده معتقد است که روسیه که آسیای مرکزی و قفقاز را بعنوان منطقه خارج نزدیک خود تلقی می کرد در سالهای اخیر بعنوان بازیگر اصلی وارد این مناقشه شده است . هرچند تلاش شده نقش ایران محدود گردد. عامل دیگر می تواند فعالیت ترکیه و برخی سازمانها نظیر ناتو و نفوذ این کشورها در منطقه باشد. اما ایران میتواند با همکاری ترکیه و روسیه نقش اساسی در منطقه قفقاز و حل و فصل این مناقشه ایفا کند.

⁷- Iran ,s Role as Mediator in the Nagorno- Karabakh Crisis ,Abdollah Ramezanzadeh”in Brono Coppier,Optic Polo

مهمترین موضوعاتی که در این تحقیق به آن اشاره شده است :

۱- تامین منابع مورد نیاز انرژی و تضمین صدور انرژی به غرب

۲- تضمین امنیت و ایجاد ثبات در منطقه با توجه به منازعات موجود در منطقه قفقاز جنوبی، منازعه قره باغ، منازعه اوستیای جنوبی

۳- کنترل ایران، روسیه و تسلط بر کل آسیا

۴- کنترل بنیادگرایی اسلامی، قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان یافته و جلوگیری از سرایت آنها به غرب
* این تحقیق و پژوهش به لحاظ موضوع-مکان، کشور آذربایجان و از لحاظ زمانی دوران پس از فروپاشی شوروی را در برمی گیرد.

فرضیه :

۱- آذربایجان در تامین اهداف ناتو در قفقاز جنوبی جایگاهی تعیین کننده دارد.

سازمان دهی پژوهش:

در جهت بررسی و توضیح مسئله جایگاه راهبردی آذربایجان در تامین اهداف ناتو در قفقاز جنوبی، فهرست ذیل در چارچوب سازماندهی پژوهش ارائه می شود.

مقدمه که شامل طرح پژوهش و چارچوب کلی و تاریخچه آن است.

بخش اول که شامل ناتو، شکل گیری، کارکردها، ماموریت‌های ناتو در زمان جنگ سرد و بعد از جنگ سرد می باشد. در فصل دوم تاریخچه قفقاز جنوبی، اهمیت راهبردی قفقاز جنوبی و نقش ناتو در قفقاز جنوبی پرداخته می شود.

بخش دوم: در فصل اول که مهمترین بخش این تحقیق است به بررسی اهمیت جمهوری آذربایجان و اهمیت این کشور در برنامه های ناتو پرداخته شده است و در فصل دوم این تحقیق به بررسی نقش قدرتهای منطقه ای و ورامنطقه ای که در این بخش مطالعه موردی روسیه و آمریکا است و منافع و اهداف این دو کشور در قفقاز جنوبی پرداخته شده است.

بخش اول

فصل اول: ناتو؛ شکل گیری، اهداف و ماموریتها، قبل از جنگ سرد، در دوره

جنگ سرد، پس از دوران جنگ سرد و پس از یازدهم سپتامبر

بررسی تاریخ ناتو نشان می دهد که این پیمان دسته جمعی تا کنون سه مرحله از تحولات را پشت سر گذاشته است. این مراحل عبارتند از: ۱- از پیدایش تا فروپاشی شوروی، ۲- پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد ۳- پس از حادثه یازدهم سپتامبر

بنیان اولیه ناتو که فلسفه وجودی آن، ایجاد کمربند امنیتی به دور کشورهای مردمسالاری های غربی و محاصره ابر قدرت شرق و اقمارش بود، در بروکسل گذاشته شد. بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، فرانسه و بریتانیا در مارس ۱۹۴۸، اتحادیه اروپای غربی را شکل دادند. در همین چارچوب به تدریج زمینه ورود آمریکا به این پیمان فراهم شد؛ زیرا در آن مقطع که جنگ سرد شروع شده بود اروپا بدون آمریکا قادر به تامین امنیت خود نبود. از سویی دیگر ایجاد ناتو در سال ۱۹۴۹ در واقع معلول تحول ساختار نظام بین الملل بود که از یک نظام چند قطبی به یک نظام دو قطبی تغییر شکل یافته بود. با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، دشمن راهبردی ناتو از صحنه خارج شد. این در حالی بود که ماموریت جدید ناتو در بالکان و خارج از مرزهای اروپای غربی تحول جدیدی را در رویکرد دفاعی ناتو فراهم ساخت. واقعه یازده سپتامبر که بعنوان نقطه عطفی در روابط فرا آتلانتیکی پس از جنگ سرد بشمار می رود، زمینه حضور ناتو را در خارج از قلمرو سنتی آن سازمان ایجاد کرد. به عبارت دیگر، ناتو دور جدیدی از گسترش به شرق به بهانه مبارزه با تروریسم را با حضور در افغانستان و خاورمیانه تجربه کرد، بگونه ای که امروزه تعریف ماموریت جهانی برای ناتو که در پرتو گسترش حوزه جغرافیایی و عملیاتی این سازمان قابل تفسیر است، حاکی از تغییرات اساسی در دیدگاه رهبران ناتو و غرب نسبت به حضور در شرق است. مهم ترین اقدام ناتو در دهه ۹۰ و پس از فروپاشی شوروی که به منظور اصلاحات در ساختار ناتو و با توجه به تحولات نظام بین المللی انجام پذیرفت، طرح توسعه ناتو به شرق بود. این طرح با انحلال پیمان ورشو و عدم وجود هرگونه ساختار امنیتی در اروپای شرقی و مرکزی و به دنبال مطرح شدن تهدیدهای تازه برای غرب، در اثر ایجاد کشورهای مستقل جدید، ناآرامی های قومی و منازعات قومی و اختلافات مرزی و سیاسی کشورهای جدید مطرح شد و مورد موافقت قرار گرفت. بطور کلی تحولات نظام بین المللی که موجب تلاش برای یافتن دلایل جدید در توجیه فلسفه وجودی ناتو و تدوین تعریف جدید از تهدیدهای شدف به تبع خود الزاماتی را به ناتو

تحلیل کرد که یکی از مهم ترین آنها باز تعریف حوزه های جغرافیایی تحت پوشش ناتو، برای مقابله با خطرات احتمالی اعضای این پیمان بود (دارمی، ص ۱۰-۱۵).

*ناتو، شکل گیری - کارکردها- ماموریتها

ناتو پس از جنگ جهانی دوم در برابر تهدیدات شوروی و بلوک شرق بوجود آمد. تشکیل دو دنیای مجزا، یعنی شرق و غرب تحت قدرت فائقه شوروی و ایالات متحده بزرگترین و مهم ترین نتیجه جنگ جهانی دوم بود. در سایه درگیری و مخاصمه، طرفین سعی در ایجاد سازمانها و نهادها و موسساتی کردند که بتواند به آنها از حمله دیگری جلوگیری و نظام دو قطبی پدیدآمده را حفظ نماید. سازمان ناتو که در حال حاضر ۲۸ کشور از آمریکای شمالی و اروپا عضو آن هستند شامل: اسپانیا، استونی، اسلواکی، بریتانیا، ایتالیا، ایسلند، آلبانی، آلمان، آمریکا، بلژیک، بلغارستان، پرتغال، ترکیه، چک، دانمارک، رومانی، فرانسه، کانادا، کرواسی، لتونی، لوکزامبورگ، لهستان، لیتوانی، مجارستان، نروژ، هلند و یونان است (عسگری، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸-۱۶۰).

در نخستین روزهای پس از پایان جنگ جهانی دوم، در حالی که کشورهای اروپای غربی را بحرانی امنیتی تهدید می کرد، تحولات صورت گرفته در نظام بین الملل و تسلط یافتن یک نظام دو قطبی در عرصه بین المللی، به تدریج نشانه هایی از تغییر ساختار اروپا را به دنبال شکل گیری رقابت های ایدئولوژیک آشکار ساخت. به دنبال تهدیداتی که از جانب شوروی متوجه کشورهای اروپای غربی بود پنج کشور بریتانیا، فرانسه، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ در ۱۷ مارس ۱۹۴۸ پیمان دفاعی بروکسل^۹ را امضاء کردند. امضاء این پیمان منجر به ایجاد یک اتحاد دفاعی میان کشورهای مذکور گردید (دارمی، ۱۳۸۶، ص ۲۱).

آمریکا و کشورهای اروپای غربی با تاسیس ناتو ه مقابله با تهدید بلوک شرقی بر خواستند. پیمان ورشو^{۱۰} هم در تاریخ ۱۵ مه ۱۹۵۵ بعنوان پاسخی به گسترش سازمان پیمان آتلانتیک شمالی و پیوستن آلمان غربی به آن میان شوروی و هفت کشور دیگر اروپای شرقی، امضاء شد. از میان کشورهای اروپای شرقی یوگسلاوی در این پیمان شرکت نکرد. (طلوعی ۱۳۷۷ ص ۲۰)

9-The Brussels Treaty
10- Warsaw Pact